

دانستنیهای علمی

نویسنده : مهدی آقابابائی

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام

بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده

است.

ثواب و هديه به محضر : ثواب اين جزوه را هديه مي كنم به محضر حضرت
بقيه الله الاعظم امام زمان حضرت حجت بن الحسن المهدي صاحب
الزمان عليه السلام و به مادر شهيده شان، ام الائمه، مادر سادات ، دخت نبى اكرم
صلى الله عليه وآله ،

شفيعه ي روز محشر، ملكه ي اسلام ، صديقه ي شهيده حضرت فاطمه زهرا
عليها السلام

مقدمه

خداوند تبارک و تعالی را شاکرم که با عنایات خاصه امام زمان علیه السلام به این بنده ی حقیر توفیق دادند که بتوانم جزوه -ای در باب ریش تراشی و ریش گذاشتن بنویسم که تمام مباحث آن ، از قرآن، روایات، روان شناسی، پزشکی و فتاوی مراجع تقلید این مبحث را به طور کامل نوشتم که اتمام حجتی باشد برای کسانی که می گویند ما روایت و آیه ای از قرآن درباره ی ریش تراشی و گذاشتن آن نداریم و کسانی که می گویند هر کس ریش بگذارد امل و عقب افتاده است قلب و دل انسان باید پاک باشد و اینها و کسانی که شبهه وارد می کنند غافل از مضرات ریش تراشی هستند و منافع و فوائد ریش گذاشتن ، زیرا که گذاشتن ریش از سنت اهل بیت علیهم السلام و بزرگان است و تراشیدن آن کار مخالفان اسلام مانند یهود ، باییت و مجوسیها هستند . ما در این جزوه به یاری مولایمان امام زمان علیه السلام آیات و روایات را آورده ایم تا کسانی که اطلاع ندارند اطلاع پیدا کنند و به گوش دیگران هم برسانند. و اما ابتدا درباره ی تاریخچه ی ریش و ریش تراشی به میدان آمده ام و بعد سخنان بزرگان و دانشمندان و پزشکان در این زمینه و بعد سراغ آیات و روایات رفته ام و بعد میان اینها فصلی انتخاب کرده ام و نام نهاده ام به نام شارب (سییل) و فصل دیگری به نام جویدن مو که چه امراضی به بار می آورد. و در فصل آخر کتاب فتاوی علمای بزرگ و مراجع تقلید . اگر کسی بگوید ما کاری با مراجع و علماء نداریم و نعوذ بالله بگوید: حرفهای آنان قدیمی است ما در جواب می گوئیم که: امام زمان علیه السلام فرموده اند:

«در حوادثی که اتفاق می افتد به کسانی مراجعه کنید که احادیث ما اهل بیت علیهم السلام را روایت می کنند، آنها حجت من بر شما بوده و من حجت خدا بر

آنها هستیم.» و منظور امام زمان مراجع و علماء هستند. اینان مرزبانان و پرچمداران دین و شریعت هستند. انشاء الله خداوند منان این ناچیز و کمترین را از این بنده ی حقیر قبول بفرماید.

چکیده

در این کتاب سعی بر این شده است که اثبات نماید حرام بودن ریش تراشی را و گذاشتن ریش را و فواید و محاسن ریش گذاشتن را از منابع چهار گانه یا ادله ی اربعه: کتاب، سنت، عقل و اجماع و در این کتاب از سخنان دانشمندان بزرگ پیرامون این موضوع هم بحث به میان آمده است.

حوزه علمیه اصفهان - میرزا مهدی آقابابائی

فصل اول: تاریخچه ی ریش گذاشتن

وقتی تاریخ ریش گذاشتن بررسی می شود، یک نوع افراط و تفریط در آن بوده به طوری که عده ای ریش خود را آنقدر بلند می کردند که به زمین کشیده می شده و افرادی را اسیر جمع آوری آن از زیر دست و پا می کردند. در مقابل برخی ریش خود را از ته می زدند، اسلام که روشش بر اساس استدلال و منطق است ، این دو طریق را مطرود اعلام کرد و راه اعتدال و میانه روی را بر اساس آیه 143 سوره بقره که می فرماید: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ)

و روایات متعدد برگزید و اکنون به نمونه هائی از آن در تاریخ توجه فرمائید.

الف: ریش در شریعت حضرت موسی علیه السلام

عبرانیان از زمان های بسیار قدیم ریش می گذاشتند و بر طبق شریعت حضرت موسی علیه السلام مجاز به تراشیدن ریش نبودند و کندن ریش نزد آنان علامت تحقیر و بی احترامی بود. حضرت موسی علیه السلام با مردانی از بنی اسرائیل به کوه طور رفت و دستور فرمود که: بعد از دعای من آمین بگوئید. از جمله دعاهای حضرت نفرین بر کسانی بود که ریش خود را می تراشیدند.

ب: سلاطین و علماء

سلاطینی از بابل، آشور، ایران و یونان قدیم ریش خود را فر می دادند و در مجسمه های داریوش بزرگ و حکمائی مانند افلاطون، ارسطو و سقراط این موضوع مشهود است.

برخی فراعنه مصر سنگ های قیمتی و مروارید به ریش خود می آویختند و آن سنگ ها را مانند خنجر، نوک تیز می کردند و گاهی با آن سنگ ها ریش ها را اصلاح می کردند.

معروف است که ریش «سلطان سنجر» آنقدر طول و عرض داشت که زمان شکار و تیراندازی غلامان می دویدند و ریش شاه را که به زمین می رسید با پارچه ای بسته و به پشتش گره می زدند.

ریش «فتحعلی قاجار و درباریانش» آنقدر بزرگ بود که در زمان تیراندازی آن را می بستند.

زمانی ریش ها را به شکل خاصی مانند تویی، دم کبوتری، مربع و مستطیل حالت و شکل می دادند.

«عباد» برادر «عبیدالله بن زیاد» ریش طویلی داشته و «ضیاءالدین قزوینی» استاد «سعدالدین تفتازانی» ریشش آنقدر طولانی بود که به کفش هایش می رسید و در خواب آن را کیسه می کرد و چون بر مرکب سوار می شد، باد آن را متفرق می نمود و مردم را متوجه خود می ساخت.

مردم یونان و روم قدیم همه ریش داشتند، اما کم کم در ایام شادی ریش تراشی معمول گردید. اما در نزد ایرانیان ریش مرسوم بوده است.

ج: کسانی که دستور تراشیدن ریش داده اند

اولین کسی که فرمان ریش تراشی دسته جمعی صادر کرد «اسکندر مقدونی» بود. و دومین نفر که این دستور را داد «فیلیپ هفتم» در اسپانیا و سومین نفر پتر کبیر در روسیه بود. و او چنان سخت گرفت که کسانی را که دارای ریش بودند جریمه می کرد و چهارمین نفر «شاه عباس صفوی» در ایران بود.

د: احترام ریش نزد درویشان

قلندران و درویشان در عراق موی سر و ابرو را می تراشیدند و در ایران تازی از موی ریش و سبیل را به عنوان ارادت و دوستی و مردی و یا برای شرط نذر برای یکدیگر ارسال می کردند و یا گرو می گذاشتند. در یک دوره طولانی اگر ریش کسی را می کنند آنقدر توهین آمیز بود که مرگ را بر آن ترجیح می داد و ریش داشتن را مورد احترام قرار می دادند (ولی عصر خودمان را ببینید که هر کس ریش بگذارد به او لقب امّ و عقب افتادگی می دهند) و چه بسا بعضی دولت ها ریش انسانهای مجرم را می تراشیدند و تبعیدش می کردند و یا پیاده و سواره در شهر در معرض تماشای عموم قرار می دادند.

و: داشتن ریش سیره انبیاء علیهم السلام و دانشمندان اروپائی

سیره انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام و ادیان الهی و علماء گذاشتن ریش بود و از تراشیدن آن نفرت داشتند و در بین دانشمندان جهان از جمله اروپا و سلاطین بسیاری از آنها به پیامبران در ریش گذاشتن اقتدا می کردند از جمله دانشمندان اروپائی که ریش داشته اند و عکسهایشان در کتابها و موزه ها موجود است عبارتند از:

- 1- پاستور فرانسوی، ماریونی (مخترع ماشین چاپ) 2- کوری پیر (فیزیک و شیمیدان فرانسوی کاشف رادیوم) 3- تارینه
- (بزرگترین استاد معالجه امراض) 4- یوکا من شامپیو نبر(نخستین کسی که عمل فتق را انجام داد) 5- دکتر پرفسور امیل (مکتشف سرم معالجه دیفتری)
- 6- لیستر (جراح انگلیسی) 7- ژیرار (مخترع ماشینهای بافت کتان) 8- گرام (زنوب) (الکتریسیں بلژیکی و مخترع دینامهای صنعتی برق).

فصل دوم: ریش تراشی از نظر دانشمندان و پزشکان

1- سخنان دکتر «ویکتور ژورژ»:

بعضی از مردم ریش داشتن را نمی پسندند و غافل هستند که ریش داشتن بهتر و دارای منافعی است. به درستی که طیب حاذق و مشهور ((ویکتور ژورژ)) عقیده اش این است که داشتن ریش فوائد بسیار بزرگی دارد و محقق است که ریش داشتن دهان را محافظت می نماید از امراضی که متوجه بدن و اطراف آن است و هم منع می نماید رطوبتهای زائده ای را که متوجه به جوانب دهان می شود و نگاهداری می کند و از استخوانهای دندانها و غده هائی که چشمه لعابهای دهان است. (یعنی محافظت می کند از لثه ها و یا غده هائی که در لثه ها است). در کتاب تراش ریش از نظر بهداشت ص 20 آمده است که ایشان درباره ی فائده ی ریش می گوید: ریش موجب حفظ دندانها و غدد بزاقی خواهد شد.

2- سخنان دکتر (یعقوب صروف) و (فارس نمر):

به تحقیق از برای موهای ریش و سیبیل فایده هائی بزرگ است:
اولاً: در منع از رسیدن ریزه های غبار به حلق از راه بینی و دهان.
ثانیاً: در منع از رسیدن هوای سرد به اطراف گلو و حلق. و روایت شده که ناخدایان و کشتیایان فرنگ که به سوی قطب شمال سفر نموده اند برای جستجوی از سیاح مشهود (فرنگلین) پس در آن یخچالها و هواهای سوز و زمینهای سرد سیر قطب خیلی سرمای سوزناک بر آنها شدید شد. ولی هیچ یک مبتلا به مرضی نشدند بدین جهت که موهای سر و ریش می پوشانید سر و روی آنها را و دور می کرد سوز سردی را از حلق و گلویشان. سپس چون برگشتند به سرزمین انگلستان که نسبتاً به جایهای قطب گرمسیر و قشلاق می باشد پس تمامی آنها ریشهای انبوه خود را تراشیدند. فوری یک هفته نگذشته تمامی آنها مریض و بیمار شدند به سبب چائیدن استخوانهای گلو و اعضای حلق و دهان.

3- در مجله «المقتبس» دمشق آمده است که :

در مجله ی المقتبس مطبوعه ی شهر دمشق اثبات نموده که تیغهای ریش تراشان ناقل امراض و باعث سرایت دردهاست به چهره و صورت مردان تندرست که عادت به تراشیدن ریش نموده اند.
(منظور تراشیدن صورت با تیغ است نه دیگر اعضای بدن).

4- ریش تراشی جماعتی در انگلستان:

جماعتی در انگلستان بر علیه و ضد عادت ریش تراشی انجمن نموده اند و سخت از کار کردن تیغی بر رخسار ریش تراشان جلوگیری می نمایند و از جمله تعلیمهای اسلامی این جماعت سعی و تلاش در این است که مردمان را وادار کنند به رها ساختن ریش و ترک تراشیدن آن؛ به این جهت که تیغهای دلاکان مایه سرایت و تعدی امراض مسریه است به لب و دهان و چهره و گلوی ریش تراشان. و بدرستی که این انجمن ورقه ای را چاپ نموده و بر بزرگان انگلیس و لوردهای ایشان قسمت و پخش نموده و ایشان را به مساعدت خود خوانده که رها بسازند ریشهای خود را تا این که عموم ملت از آنها تقلید و پیروی بنمایند. در این ورقه منشور دو صورت چاپ نموده بودند که یکی تمثال مردی که ریش خود را تراشیده و در او جمیع زشتیها و بدیها را نمایش داده و دیگری تمثال مردی که ریش خود را رها ساخته و در او جمیع زیبائیهها و خوبیها را جلوه و نمایش داده اند.

5- به ریشه‌های تمامی کارکنان راه‌های آهن تیغ کشیدند

در زمانی ریشه‌های تمامی کارکنان راه‌های آهن را در موسم زمستان تراشیدند ، پس قسم بیشتر آنان مبتلا به درد دندان و اماس و اورام سختی شدند، در غده‌هایی که چشمه‌های لعاب گلو و دهان است و نیز گفته‌که: طبیب دیگری معالجه کرد کسانی که مبتلای برشح یعنی درد زکام شده بودند، همین که ایشان را امر فرمود به رها کردن ریشه‌های خود، آنها هم به امر او گوش نموده ریش گذاشتند(به صحت کامیاب شدند).

6- شیوع ریش تراشی در کشورهای غربی:

در سال 1911 میلادی بعثت شیوع ریش تراشی در کشورهای غربی و کشف مضرات آن عده‌ای از اطباء و دانشمندان اروپا برای مبارزه با ریش تراشی در انگلستان تشکیل جلسه داده و برای حفظ بهداشت عمومی از این عمل نشریاتی منتشر نمودند و بدین وسیله مردم را متوجه ضررهای تیغ‌های صورت تراشی نموده، ضمناً برای نتیجه گرفتن به دولت نیز پیشنهاد دادند که جهت حفظ بهداشت عمومی جدا از این کار جلوگیری نماید.

7- بعضی از پزشکان فرانسوی می گویند:

تیغ ها (و ماشینهای) ریش تراشان ناقل امراض و باعث سرایت دردهاست و ریش تراشی، چهره و صورت مردان سالم را از بین می برد.

8- «هانسدریش» آلمانی می گوید:

ریش برای مرد زینت است.

9- «دکتر خوش منش»:

پوست بدن و موها بهترین مانع برای ورود میکروبیها می باشند. و موی صورت کاملاً از ورود میکروب ممانعت میکند. خراش پوست بوسیله تراشیدن موجب پیدا شدن راهی برای وارد شدن میکروب هاست. موی صورت حافظ زیبایی و سلامتی آن است زیرا در اثر زیاد تراشیدن، سلولهای صورت فرسوده شده، و به دنبال آن علائم پیری و چروک به زودی در صورت ظاهر می گردد. (کسانی که ریش دارند، از صورت سفید و لطیفتری برخوردارند). به علاوه کسانی که ریش خود را می تراشند به خاطر زبری و خشن بودن صورتشان کودکانشان مانع بوسیدن آنها می شوند.

10- «دکتر صائبی»:

در رشته «فیزیولوژی» ثابت شده بیضه مرد علاوه بر موادی که با اسم ترشح منوی به خارج می ریزد، دارای ترشح درونی است که داخل خون شده، علائم بلوغ و نشانه مردی که یکی از آن روئیدن موی صورت است به وسیله همین ترشح درونی است. چنانچه برخی که فاقد بیضه هستند از داشتن موی صورت و چهره زیبا بی بهره اند. بنابراین موی صورت یکی از نشانه های مردی است و مردان و نوابغ عالم سعی داشته اند علاوه بر صدها خصلت انسانی، این نشانه را در خود حفظ کنند.

11- جریان کارخانه ی تیغ سازی:

((پل کن ریش Poul Kenrish)) شخصی است که دارای کارخانه ی تیغ سازی بوده، و روزی پانصد هزار تیغ تولید می کرده و سالها ریش میلیونها انسان را با این وسیله تراشیده است. و لیکن بزرگی و زیبائی خود را در ریش گذاشتن دانسته و در تمام مدت عمرش از تراشیدن موی صورت خویش خود داری کرده است.

نتیجه گیری از این فصل:

هر گاه کسی از روی انصاف و عدل در کتابها و در مطبوعات تازه و کهنه آسیا و اروپا نظر و اندیشه نماید، مقالات بی اندازه خواهد یافت در زشتیهای عادت ریش تراشی و خوبی های گذاشتن آن، چنانچه پاره و اندکی از آن را به عرض شما رساندیم.

به این نتیجه می رسیم که ریش تراشی مایه سرایت ناخوشیهای سخت و مظهر زشتیهای خلقت و سبب سرما خوردن و چائیدن استخوانهای چهره و گلو و مرضهای اعضای حلق و فکین می شود. و هم باعث امراض زکامی و رشحی و لقوه در دندان و اورام غدد لعابیه و غیر آن می گردد.

و به این نکته پی می بریم که گذاشتن ریش مایه ی محافظت دهان و قوت تکلم و فصاحت گفتار و مانع رطوبات زائده حلق و حافظ وظائف غده های لعابی می باشد و همچنین سبب قوت و محافظت استخوانهای چهره و اعضای گلو و دهان و گرم نگه داشتن آنها است. و نیز مانع از رسیدن غبار نرم و هواهای سرد و ناساز به سوراخهای بینی و دهان می شود.

فصل سوم: ریش تراشی از نظر روان شناسی

روان شناسان ثابت کرده اند که: انسان دارای قوه مغناطیسی است که اثر آن مخصوصا در چشمها مشهود است و به سبب نگاه کردن زنان به مردان و بالعکس این قوه تقویت شده و غریزه جنسی را در دو طرف (مرد و زن) تحریک می کند.

سیفلیس و سوزاک و دردهای دیگر که در اثر شیوع فحشاء در برخی جوامع می بینیم در اثر این قوه جاذبه می باشد. بدیهی است که تراشیدن ریش از ته و صورت را براق کردن، سبب تقویت قوه جاذبه شده و تحریک و کشش های مغناطیسی را بین زنان و مردان افزایش می دهد.

طبق نظریه علم فیزیولوژی و پسیکولوژی نیروی شهوت از سن پانزده سالگی به بعد رو به افزایش است و تا بیست و پنج سالگی ادامه دارد، هر چه انسان از سن پانزده سالگی بالا می رود سیمای او بر افروخته و روشن تر می گردد و در چشم مرد و زن شیفتگی مخصوصی پیدا می شود. از همین سالهاست که موی صورت روئیده خواهد شد و این روئیدن موی صورت و تراشیدن آن مانع برخی مفاسد اخلاقی میان زنان و مردان شده و تا حدودی از پیش آمدن مسائل سوء شهوانی جلوگیری می نماید. بر عکس مرد با تراشیدن ریش زنان و دختران را بیشتر متوجه خود می سازد و در شیوع فحشاء و تحریک غریزه جنسی نقش موثری دارد.

سوال: چرا عده ای از ریش گذاشتن فرار می کنند؟

عده ای به خاطر نداشتن آگاهی و برخورد دار نبودن از ایمان قوی و از همه بیشتر به خاطر مسخره شدن مقدسات مثل حجاب و ریش و توسط انسانهای جاهل سعی می کنند به خاطر در امان ماندن از حملات و طعن آنها ریش خود

را بزنند، و برای تراشیدن ریش خود بهانه هائی بیاورند. لذا این افراد گاهی می گویند که ما به خاطر رعایت بهداشت صورت خود را می تراشیم در حالی که می توان ریش داشت و بهداشت را هم رعایت کرد و اگر واقعا مسئله بهداشت مطرح است، چرا موهای سرشان را نمی زنند.

و گاهی می گویند: مسئله ریش گذاشتن مربوط به صدر اسلام می باشد به خاطر اینکه عربستان منطقه گرم و سوزانی بوده، اسلام برای حفظ پوست صورت دستور گذاشتن ریش را داده، این توجیه هم بطلانش با آن همه دلیل بر ضررهای تراشیدن ریش روشن است.

عده ای برای اطاعت نمودن از همسر خود این فعل را انجام می دهند، عده ای هم به خاطر تقلید از دیگران.

و چه زیبا شاعر سروده است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

عده ای هم به خاطر غفلت از زیانهای بهداشتی آن، عده ای هم به دلیل زیبایی، چهره ی خود را با نداشتن مو در صورت می دانند، عده ای هم تمدن را به تراشیدن ریش می دانند، و عده ای هم برای فرار از ریش گذاشتن می گویند: انسان کارهای دیگرش را درست کند در حالی که این حرف هم درست نیست، زیرا اسلام مجموعه ای از دستورات حیات بخش است که باید واجبات آن را عمل کرد و محرماتش را ترک کرد، اگر ریش تراشی حرام شد، باید انجام نداد و این توجیهاات پذیرفته نیست.

نکات مهم:

1- بر اساس اینکه اسلام به نظم و مرتب بودن انسان در تمام مراحل زندگی سفارش نموده، شایسته است انسان مسلمان محاسن خود را مرتب شانه نماید و از ژولیدگی و بی قوارگی ریش هایش جلوگیری نماید تا ظاهری زیبا و پاکیزه داشته باشد و سبب ترغیب مردم به دین گردد.

انشاءالله روایات شانه کردن ریش را در چند فصل آینده خواهد آمد.

2- امکان دارد بعضی از اشخاص نخواستند محاسن بلند یا معمولی داشته باشند، چنین افرادی می توانند ریش های خود را طوری کوتاه کنند که عرفا ریش دار بودن صدق کند. آنچه در اسلام حرام می باشد زدن ریش از ته است و دیگر فرقی بین ماشین و تیغ نیست.

3- روایاتی که آورده می شود در فضیلت ریش گذاشتن روشن می کند که اسلام ضمن بها دادن به معنویت و باطن به ظواهر بسیار اهمیت می دهد. لذا یک مسلمان وظیفه دارد هم در جهت معنویت و ارتقاء مکارم اخلاق تلاش نماید و هم ظواهر خود و خانه و خانواده اش را بر اساس گفته های ائمه اطهار علیهم السلام حفظ نماید و اگر نتوانست در جهت باطن و پرورش روح رشد کند لااقل ظاهرش را اسلامی نگه دارد، نه اینکه بگوید: اکنون که من از جهت معنوی و اخلاقی مشکل دارم پس ظاهر را درست کردن چه فایده ای دارد و با تراشیدن ریش گناهی را بر سایر گناهان بیفزاید.

فصل چهارم: تراشیدن ریش از منظر قرآن

سوال: آیا قرآن اشاره ای به حرمت ریش تراشیدن کرده است؟

جواب: آری. در چند آیه از قرآن می رساند که تراشیدن ریش حرام است.

(وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)

در کتاب گرانسنگ و ارزشمند وسائل الشیعه از تفسیر علی بن ابراهیم قمی رحمته الله که در وثاقت و اعتبار او حرفی نیست در ذیل آیه ی شریفه از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

وقتی خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را خوب مورد امتحان قرار داد به اینکه فرزندش اسماعیل را ذبح کند، حضرت ابراهیم علیه السلام پس از بیدار شدن تصمیم بر ذبح فرزند خویش گرفت و پروردگار هم به جهت پاداش حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود:

«پروردگار هم به جهت پاداش به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: ما تو را امام بر مردم قرار دادیم و سپس ((حنیفیت)) یعنی پاکیزگی که ده چیز پاک است را بر او نازل کرد، حضرت هم آنها را با خود آورد که تاکنون نسخ نشده و تا روز قیامت هم نسخ نشده و تا روز قیامت هم نسخ نخواهد شد که پنج چیز آن راجع به سر و عبارت است از:

1- گرفتن شارب (سییل) 2- ریش گذاشتن 3- تراشیدن موی سر 4- مسواک کردن 5- خلال نمودن.

و پنج چیز دیگر آن مربوط به بدن است که عبارتند از:

1- تراشیدن موهای زائد بدن 2- ختنه کردن 3- ناخن گرفتن 4- غسل جنابت 5- طهارت با آب.

تا اینجا معلوم شد که بنا به فرموده ی حضرت امام صادق علیه السلام یکی از احکام دهگانه ی آئین ابراهیمی ریش گذاشتن است که خداوند بر حضرت ابراهیم علیه السلام نازل فرموده است.

خداوند تبارک و تعالی در سوره نحل می فرماید:

(ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.)

ترجمه: (ای رسول ما از آئین حنیف و پاک حضرت ابراهیم علیه السلام تبعیت کن).

و معلوم شد یکی از احکام این آئین ابراهیمی گذاشتن ریش است. حال آیا تنها پیامبر اسلام مامور به پیروی از آئین ابراهیمی می باشند؟ خیر زیرا خداوند در سوره آل عمران فرموده:

(قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)

امت خود بگو، راست گفت خدا: از آئین پاک ابراهیم علیه السلام پیروی کنید.

(مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ).

ترجمه: آنچه را پیغمبر برای شما آورده (از حکم) آنرا بگیرید و از آنچه شما را نهی فرموده است خودداری کنید).

و ما روایات زیادی از پیامبر اکرم داریم پیرامون نهی از تراشیدن نهی و امر نمودن به گذاشتن ریش.

(وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ).

ترجمه: (و خودتان را به دست خودتان به هلاکت نیندازید).

چون تراشیدن ریش دارای امراضی است لذا قرآن هم اشاره دارد که نباید کسی خود را به هلاکت بیندازد، آنهم بدست خود و امراض آن را ما در فصل اول آوردیم

پس با توجه به پنج آیه ی فوق و فرمایش امام صادق علیه السلام روشن شد که بنا به آیات قرآن، هم پیامبر و هم امت ایشان مامورند به ریش گذاشتن.

ممکن است (درباره ی آیه 95 سوره آل عمران) گفته شود «اتبعوا» صیغه ی امر است و دلالت بر مطلق مطلوبیت اعم از وجوب و استحباب دارد، لذا ممکن است این پیروی کردن واجب نباشد بلکه مستحب باشد.

در جواب عرض می شود درست است که صیغه ی امر دلالت بر اعم از وجوب و استحباب دارد، لکن در صورتی که قرینه ی حمل بر استحباب موجود نباشد، عقل حکم بر لزوم اطاعت از امر مولی می کند و در این آیه ی شریفه این چنین است.

باز ممکن است گفته شود قرینه بر استحباب موجود است و آن اینکه ریش گذاشتن در سیاق بعضی از مستحبات قرار گرفته پس به حکم وحدت سیاق باید حمل بر استحباب شود.

عرض می شود بله در سیاق بعضی از مستحبات قرار دارد لیکن در بین این ده چیز غسل جنابت هم وجود دارد که یکی از غسلهای واجب می باشد، به همین دلیل می توان گفت در اینجا قرینه حمل بر استحباب وجود ندارد و لذا هر کدام از این ده چیز به سبب صیغه ی اتبعوا عقلاً واجب خواهد بود مگر اینکه رخصتی از جانب شارع به ما رسیده باشد که در بعضی از اینها همچون مسواک زدن رخصت رسیده و در بعض دیگر مانند غسل جنابت و ریش تراشی رخصتی به ما نرسیده است.

نتیجه این که ریش گذاشتن به حکم عقل واجب می باشد.

فصل پنجم: سیره ی عملیه ی انبیاء و اولیاء دلیل بر ریش گذاشتن و دلیل عقلی بر لزوم ریش گذاشتن

سیره ی عملیه ی انبیاء و اولیاء دلیل بر ریش گذاشتن

وقتی انسان با دقت به تاریخ زندگی انبیاء و اولیاء علیهم السلام نظر می کند در می یابد که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا عصر حاضر از پیامبران ، اولیاء، صدیقین و صلحاء و هر کس که معتقد به دین بوده ، ریش تراش نبوده اند و آن را از منکرات می دانسته اند و احدی از علماء و رهبران دینی یعنی مراجع معظم تقلید شیعه بلکه علماء اهل تسنن و حتی علماء ادیان دیگر و بعضی از سلاطین و اطباء و دانشمندان خارجی مرتکب ریش تراشی نشده اند.

خوب اهتمام ورزیدن انبیاء و اولیاء و رهبران دینی در طول زمانها به ریش گذاشتن و نتراشیدن ریش حتی برای یک مرتبه کشف از این نمی کند که ریش گذاشتن مطلوب مولی بوده و حجتی است بر علیه کسانی که ریش می تراشند؟
حتماً جواب خواهید داد بلی.

دلیل عقلی بر لزوم ریش گذاشتن

یکی از دلالتی که بر لزوم ریش گذاشتن اقامه شده است دلیل عقلی است به این ترتیب که:

عقل سالم به هر انسانی حکم می کند که عبد و بنده ی مولا، کسی است که در تمام رفتار و کردار متوجه مولای خود بوده و در هیچ لحظه ای دمی بر خلاف رضای مولای خود بر ندارد که اگر برداشت دیگر بنده ی او نیست بلکه بنده ی همان است که در تحت سلطه ی او قرار دارد چرا که هر چه در بند آنی بنده ی آنی. و بر کسی پوشیده نیست که مولای حقیقی و آنکه، هر کس هر چه دارد از خدای تبارک و تعالی است و دیگران همه بنده ی او هستند و اقتضای بندگی این مولای عزیز، این است که هر چه او از ما خواسته به همان نحو مطلوبی که مورد رضایتش می باشد بجا آوریم تا بدین وسیله به وظیفه بندگی خویش عمل کرده باشیم.

ریش گذاشتن یکی از اموری است که بنابر حسب آنچه از منابع موجود بر می آید (کتاب، سنت، عقل و اجماع) مطلوب مولای حقیقی بوده و ترخیصی هم از او در تراشیدن آ» به ما نرسیده، لذا بندگی اقتضاء می کند هر کس خود را بنده ی او میداند ریش خود را تراشد تا به وظیفه ی بندگی خویش عمل کرده باشد که اگر خدای ناکرده تراشید از زمره ی بندگان او خارج شده و از دیدگاه عقل سلیم کاری ناپسند و قبیح مرتکب گشته و استحقاق عقاب هم دارد. به امید اینکه در باقی مانده ی عمر خویش در زمره ی بندگان شایسته ی او قرار گرفته و نواهی او را ترک و دستوراتش را آن طور که مورد رضایت او می باشد عمل نمائیم. انشاء الله.

(در پاورقی شیخ عباس قمی در منتهی الآمال در ماه رجب تعجب می کنم
از کسانی که ریش ندارند حرم شیبتی علی النار)

فصل ششم: احادیث درباره ی ریش و ریش تراشی

بخش اول: احادیث درباره ی ریش گذاشتن

حدیث اول: ریش گذاشتن دستور خداست

خسرو پرویز پادشاه ایران برای باذان (پادشاه یمن) نامه نوشت که دو نفر از مردان دلیر خود را به مدینه بفرست تا پیامبر اسلام را به خدمت ما بیاورند، باذان دو نفر به نامهای (بانویه) و (خرخسک) را به مدینه حضور پیامبر فرستاد. این دو نفر وارد مدینه شده و حضور پیامبر رسیدند بانویه به عرض رساند که پادشاه ایران (کسری) برای پادشاه یمن (باذان) نامه نوشته و فرمان داده دو نفر از مردان خود را به سوی شما فرستد شما را به خدمتش ببرند، باذان هم ما را فرستاده تا با هم به حضور پادشاه ایران برویم، اگر این پیشنهاد را می پذیرید، من نامه ای برای سلطان ایران می نویسم و در آن نامه سفارش شما را می کنم که اذیت و آزاری به شما نرساند. و الا خودتان می دانید که کسری شما را کشته و بلاد شما را نیز ویران می کند، این دو نفر که حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیده بودند ریشهای خود را تراشیده و سبیل های خود را گذاشته بودند، حضرت از روی کراهت فرمودند: وای بر شما چه کسی شما را به این وضع امر کرده؟ گفتند: خدای ما کسری، پس حضرت فرمودند:

«امرنی ربی ان اعفی لِحیتی و اقص شاربی»

خدایم به من دستور داده که ریش را بلند و شاربها را کوتاه سازم. شاهد روایت: ریش تراشیدن امری قبیح و مورد غضب پروردگار بوده که پیامبر از دیدن آنها کراهت داشته اند و کلامشان را با کلمه ی وپل که نام وادی

جهنم است شروع کرده اند، همین دو امر کفایت می کند بر اینکه ریش تراشی جایز نیست و لذا اگر کسی از روی عمد مرتکب شود محروم از بهشت و مستحق عقاب الهی خواهد بود.

حدیث دوم: ریش زینت حضرت آدم علیه السلام و فرزندان ذکور اوست
عن النبی صلی الله علیه و آله: لَمَّا تَابَ اللَّهُ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَهُوَ يُقْرُوكَ السَّلَامَ - وَ يَقُولُ يَا آدَمُ حَيَّاكَ اللَّهُ وَ بَيَّاكَ - قَالَ أُمَّا حَيَّاكَ اللَّهُ وَ بَيَّاكَ اللَّهُ - قَالَ فَسَجَدَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ يَا رَبِّ زِدْنِي جَمَالًا فَأَصْبَحَ وَ لَهُ لِحْيَةٌ سَوْدَاءٌ كَالْحَمَمِ فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيْهَا - فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هَذِهِ؟ فَقَالَ هَذِهِ اللَّحْيَةُ زَيْنَتُكَ بِهَا أَنْتَ وَ ذُكُورَ وَ لَدِكِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ابن مسعود از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده: چون خداوند توبه حضرت آدم علیه السلام را قبول کرد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: من فرستاده ی خدا به سوی تو هستم خدا به تو سلام می رساند بعد خود جبرئیل گفت: زنده بدارد تو را خدا و خندان سازد تو را خدا. پس حضرت آدم علیه السلام سجده کرد، سپس سر از سجده برداشت و رو به طرف آسمان گفت: پروردگارا جمال مرا زیاد کن، صبح که شد ریش سیاهی در صورت او روئیده شده بود با دست آنها را گرفت و عرض کرد: پروردگارا این چیست؟ خطاب شد: این ریش است که زینت دادم تو را و فرزندان پسر تو را به آن تا روز قیامت.

از این حدیث استفاده می شود آنچه را که خالق هستی زینت دهنده ی و زیننده مقام حضرت آدم علیه السلام و فرزندان ذکور او تا روز قیامت دانسته ریش است و بهمین جهت که ریش زینت مردان است و در زبان فارسی هم از آن به محاسن یاد می شود.

حدیث سوم: ریش نشانه مرد بودن و سبب عزت آقایان است

عن الصادق عليه السلام فاذا ادرك و كان ذكراً طلع الشعر في وجهه فكان ذلك
علامة الذكر و عز الرجل الذي يخرج به من حد الصبا و شبه النساء و ان كانت
انثى يبقى وجهها نقيا من الشعر لتبقى لها البهجة و النظاره التي تحرك الرجال لما
فيه دوام النسل و بقاءه.

امام صادق عليه السلام فرمودند:

زمانی که انسان به حد بلوغ رسید، اگر مرد بود مو در صورت او روئیده می
شود که این موهم علامت مرد بودن و هم موجب عزت او خواهد بود. و بوسیله
ی آن از مرحله ی کودکی و از شباهت داشتن به زنان خارج می شود و اگر زن
بود در صورت او مو روئیده نمی شود تا اینکه زیبایی و طراوتی که تحریک
کننده ی مردان است به ازدواج و در سایه ی آن تولید نسل و بقاء انسان انجام
می گیرد باقی بماند.

سپس حضرت فرمودند: اگر مو در صورت مردی روئیده نشود آیا در شکل
کودکان و زنان نمی ماند. بعد فرمودند: دیگر وقار و شکوهی در او دیده نمی
شود.

در ادامه حدیث آمده است که مفضل عرض کرد: من عده ای از مردها را
دیده ام که در سن پیری از صورتشان مو روئیده نمی شود. حضرت فرمودند:
«این به خاطر اعمالی است که در قبل از شماها سر زده است و خدا به بندگان
خویش ظلم نمی کند».

پس روئیدن مو در صورت مردان نشانه ی خروج از زمان طفولیت و شباهت
نداشتن به زنان و سبب شکوه و وقار آنها خواهد بود.

حدیث چهارم: بر خلاف مشرکین باشید

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

بر خلاف مشرکین باشید سبیل ها را از ته کوتاه کنید و محاسن را بلند
بگذارید.

بخش دوم: احادیث در باب تراشیدن ریش

حدیث اول: ریش تراشیدن تغییر فرمان خداست

قال الله تبارک و تعالی: و قال لاتخذن من عبادک نصیباً مفروضاً و لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم فلیبتکن آذان الانعام فلیغیرن خلق الله.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: شیطان می گوید هر آینه فرا می گیرم از بندگان تو بهره ای که مقرر شده و هر آینه گمراه می کنم و آرزومند می سازم ایشان را و امر می کنم که بشکافند گوشهای چهارپایان را و تغییر دهند خلقت خدا را.

شاهد در قسمت آخر آیه است که شیطان می گوید: من امر می کنم که بندگان تو تغییر دهند خلقت تو را البته البته.

سؤال: تغییر در خلقت چیست که شیطان دستور به آن می دهد؟

جواب: از امام باقر و صادق علیهما السلام در جد سوم تفسیر تبیان ص 334 روایات شده که مراد از تغییر، تغییر در فطرت توحید و تغییر در فرمان خداست. بنابراین فرمایش این بزرگواران آیا ریش تراشیدن از موارد تغییر در فطرت توحید و فرمان خدا نیست؟ چرا. به دلیل اینکه انسانها فطرتاً محد و خداپرست و عامل به دستورات خدا خلق شده اند و بر همین اساس با تمام وجود به دستورات او عمل می کنند و هیچگاه بر خلاف فرامین او عمل نخواهند کرد، حال کسی که بر اساس وسوسه های شیطانی ریش می تراشد در حقیقت بر خلاف فرمان پروردگار خود عمل می کند چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: پروردگارم به من امر کرده که ریشم را بگذارم.

حدیث دوم: تراشیدن ریش از مصادیق مثله است

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

حلق اللحية من المثله و من مثل فعلیه لعنه الله.

تراشیدن ریش از مثله (شکنجه و آزار جسم و روح) است و هر که مثله کند بر او باد لعنت خداوند.

مثله یعنی بریدن و قطع کردن گوش یا بینی یا لب و یا انگشتان و ... که نبی اکرم ﷺ از آن نهی فرموده اند حتی در مورد سگ گزنده و در این روایت پیامبر ﷺ ریش تراشیدن را از مصادیق مثله کردن شمرده اند که این خود دلیل بر حرمت ریش تراشی دارد.

حدیث سوم: تراشیدن ریش سیره ی مجوسیه است

رسول خدا ﷺ فرموده اند:

حفوا الشوارب و اعفوا الحی و لا تشبهوا المجوس.

همانا مجوسیها ریشهای خود را می زدند و سیبیلها را نمی زنند، اما ما سیبیلهای خود را می زنیم ولی ریشهای خود را نمی زنیم و این فطرت دین است و تغییر نمی کند. در روایتی دیگر آمده است که سیبیلهای خود را بزیند و ریشهای خود را نتراشید و خود را شبیه آتش پرستها قرار ندهید.

حدیث چهارم: عمل قوم لوط

قوم لوط مردمی آلوده و ناپاک بودند که خداوند سبحان در اثر عمل شنیع لواط آنها را نابود ساخت و یکی از اعمالی که سبب نازل شدن عذاب بر آنها شد تراشیدن ریش بود.

رسول خدا ﷺ فرموده اند:

ده عمل زشت و گناه باعث عذاب قوم لوط شد، یکی عمل لواط و آن حضرت بقیه اعمال آنها را شمرد تا اینکه فرمود: و تراشیدن ریش و بلند گذاشتن سیبیل ها دو عمل و گناهی بود که سبب از بین رفتن قوم لوط شد.

حدیث پنجم: تراشیدن ریش همراه با مسخ شدن

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

در زمان گذشته گروهی ریش تراشیدند و سبیلها را می تا بیدند حق تعالی ایشان را مسخ کرد.

خوب به این حدیث توجه فرمائید ببینید که مولا حضرت علی علیه السلام می فرماید: عده ای به خاطر اینکه ریش خود را تراشیدند مسخ شدند.

سؤال: ممکن است عده ای بپرسند مسخ در امت اسلام نخواهد بود و این حدیث نمی تواند دلیل حرمت باشد؟

مسخ در مقابل نسخ است که هب معنای قطع علاقه یک روح از بدن و تعلق آن بر بدن انسان و یا حیوان دیگر است که به آن تناسخ هم گفته می شود. از نظر علمای اسلامی نسخ یا همان تناسخ باطل است و چنین چیزی امکان پذیر نیست. هر چند که بعضی از فلاسفه آن را پذیرفته اند.

ولی مسخ یعنی تبدیل شکل انسان به شکل حیوان، مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اسلامی است و ظاهر آیات و روایات به آن دلالت دارد.

در قرآن آیاتی مربوط به مسخ است که عبارتند از: (یس/67، بقره/65، نساء/47، اعراف/163-167، مائده/60).

این آیات به روشنی بر یک حقیقت دلالت دارند و آن اینکه گروهی از گنهکاران در میان امتهای پیشین به صورت بوزینه و خوک مسخ شده اند به این صورت که چهره و قیافه انسانی آنها تغییر یافته و به شکل حیوان در آمده است. نوع دانشمندان اسلامی این حقیقت را به همین صورت پذیرفته اند و آن را یک معجزه الهی می دانند.

تغییر شکل ظاهری انسان به حیوان از لحاظ عقلی محال نیست و ما نمی توانیم به صرف استبعاد، از ظاهر روشن آیات قرآنی دست برداریم بخصوص اینکه ظواهر این آیات را روایتهای متعددی تقویت میکند.

از جمله این روایات روایات متعددی است که درباره اصحاب سبت وارد شده، بعضی از این روایات را مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در کتاب شریف بحارالانوار ج 14 ص 50 به بعد آورده است.

و در روایتی آمده که امام صادق علیه السلام فرمودند: از خوردن مسوخ منع شده تا مردم از آنها نفع نبرند و عقوبت را خفیف نشمارند.

روایات در این زمینه زیاد است تا جایی که در پریشی که از سید مرتضی شده ادعای تواتر این روایات را نموده است.

گاهی گفته می شود که این کار با سیر کمالی انسان مخالف است و از لحاظ فلسفی انسان نمی تواند در سیر استکمالی خود به ناقص برسد و یا قهقرا کند، پاسخ این اشکال روشن است زیرا چون ماهیت انسان تغییر نمی یابد بلکه فرد مسخ شده با حفظ ماهیت انسانی خود فقط از لحاظ قیافه به شکل حیوان دیده می شود که نوعی عقوبت الهی است و اساساً تغییر چهره ی انسانی ربطی به مراحل استکمالی او ندارد و گرنه باید تغییر قیافه ی شاداب یک جوان به قیافه ی افسرده ی پیر که در طول زمان صورت می گیرد نیز محال باشد در حالی که چنین نیست و همواره جوانها پیر می شوند و قیافه های نامطلوبی به خود می گیرند.

مرحوم سید مرتضی علم الهدی ضمن تأیید اینکه چنین تغییر قیافه ای محال نیست پرسشهایی را در این زمینه مطرح می کند. از جمله اینکه، چگونه تغییر قیافه انسان با شکل حیوان، مجازات محسوب می شود؟ در پاسخ می گوید: اگر

این شکل در آغاز به همین صورت آفریده شده باشد، مجازات نیست ولی اگر یک انسان زنده ای که به زیباترین شکل ممکن آفریده شده تغییر شکل بدهد و به صورت حیوان در آید، این مجازات است زیرا که شخص از این تغییر دچار غم و غصه و تأسف می شود.

یعنی آنها از وضع خود آگاهی داشتند و رنج می برند.

مطلبی که باقی می ماند این است که آیا مجازات مسخ مخصوص آدمهای پیشین بوده و برای امت اسلامی چنین مجازاتی اعمال نخواهد شد و یا این یک کیفر عمومی است احتمال وقوع آن همواره موجود است؟

در بعضی از کتابها به ابن عباس نسبت داده شده که او گفته است این مجازات به امتهای پیشین اختصاص داشت.

و مرحوم علامه مجلسی رحمته الله علیه گفته است تمام مجازاتهای امم گذشته در این امت هم وجود دارد منتهی به صورت معنوی است. و مسخ در این امت به معنای مردن قلب و روح انسانی و حرمان از علم و مال است هر چند که به ظاهر صورت آدمی داشته باشد.

ولی روایاتی وارد شده که در میان امت اسلامی هم امکان مسخ وجود دارد. در روایتی آمده که شخصی که با حضرت علی علیه السلام عناد می کرد و با نفرین او به صورت سگ در آمد.

و در روایتی آمده که عمر بن سعد قاتل امام حسین علیه السلام پس از کشته شدن به صورت بوزینه ای در آمد که در گردنش زنجیر بود.

و همچنین در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که در میان امت من نیز خسف و مسخ اتفاق می افتد. و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که بنی

امیه در حال مرگ مسخ می شدند و از جمله عبدالملک بن مروان به شکل قورباغه در آمد.

و در روایتی هم آمده است که: هیچ یک از بنی امیه نمی میرند مگر آنکه به صورت چلیپاسه (مارمولک) مسخ می گردند.

با این توضیحاتی که داده شد احتمال مسخ شدن وجود دارد .

حدیث ششم: دلیل حرمت ریش تراشی

روی عن حبابه الوالبیه انها قالت: رأیت امیرالمومنین علیه السلام فی شرطه الخمیس و معه دره یضرب بها بیاعی الجری و المار ماهی و المیر و الطافی و یقول لهم یا بیاعی مسوخ بنی اسرائیل و جند بنی مروان فقام الیه فرات بن احنف فقال له یا امیرالمومنین و ما جند بنی مروان؟ فقال علیه السلام: اقوام حلقوا اللحی و قتلوا الشوارب فمسخوا.

علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله به نقل از مرحوم کلینی رحمته الله از حبابه الوالبیه روایت کرده که می گوید: دیدم حضرت علی علیه السلام را در جلو لشکر با تازیانه ای فروشندگان ماهی جری و مار ماهی و ماهی زمیر و ماهی طافی (انواع ماهی های حرام گوشت) را می زدند و می فرمودند: ای فروشندگان مسوخ بنی اسرائیل و بنی مروان. پس فرات بن احنف بلند شد و عرض کرد یا علی لشکر بنی مروان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: «اقوام حلقوا اللحی و قتلوا الشوارب فمسخوا». اقوامی بودند که ریشهایشان را می تراشیدند و سیبها را تاب می دادند و خدا هم ایشان را مسخ نمود. (در اثر این دو گناه مسخ شدند و به شکل حیوانات در آمدند).

حدیث هفتم: تراشیدن ریش از کارهای بایست است

او در اقدس ص 42 می گوید: پوشیدن لباس ابریشم برای مردها حلال است و محدود شدن در لباس و ریش برداشته شود شما در پوشیدن هر نوع لباس و تراشیدن ریش آزادید.

حدیث هشتم: ریش تراشی شبیه نمودن مرد است صورت خود را به صورت زن

عن الباقر عليه السلام انه قال: ان رسول الله صلى الله عليه وآله لعن المشتهين عن الرجال بالنساء و لعن المشتهيات من النساء بالرجال.

از امام باقر عليه السلام روایت شده که رسول اکرم صلى الله عليه وآله لعنت کرده اند مردانی که خود را به شکل زنان و زنانی که خود را به شکل مردان در آورند. ستودن محاسن برای مردان

چنانچه زنان در پوشاندن صورت آرایش کرده و زینت یافته ی خویش و ظایفی دارند برای مردان نیز سزااست که صورت خویش را از محاسن خالی نگذارند و در حقیقت سیمای مردان با وجود محاسن نشان تمایز آنان از زنان است.

امام صادق عليه السلام می فرماید: ریش در صورت سبب عزت مرد است و بوسیله محاسن مرد از بچه بودن خارج می شود و همچنین صورتش مثل صورت زنان نخواهد بود.

از امام رضا عليه السلام سؤال شد چه امتیاز و ارزشی در ریش است که مردان دارند ولی زنان ندارند؟

امام فرمود:

زين الله الرجال باللحي و جعلها فضلاً يستدل بها على الرجال من النساء.

خداوند مردان را بوسیله ی محاسن زینت داده است و فضیلتی برای مردان است و بوسیله ریش مردان از زنان شناخته می شوند.

رسول خدا ﷺ فرمودند: لیس منا من سلق و خرق لا حلق.
مسلمان واقعی نیست کسی که با بی شرمی سخن گوید و مال خود را تبذیر کند و محاسن خود را بتراشد.

از امام رضا علیه السلام سؤال شد: آیا برای مرد جایز است ریش خود را بتراشد؟
حضرت فرمود: دو طرف صورت (گونه ها) و زیر گردن اشکال ندارد، اما بقیه صورت جایز نیست.

باید توجه داشت که آنچه در اسلام نکوهیده و حرام می باشد تقلید مسلمانان در فرهنگ و آداب و رسوم از بیگانگان است و اینکه حرکاتی با لباس و ... از خود نشان دهند که در جامعه انگشت نما شوند. زیرا وقتی مسلمانی که اطلاع چندانی از دین خود ندارد در نام گذاری فرزند، خیابان، پوشیدن لباس و چهره، غذا خوردن و شکل ساختمان و ... به کفار اقتداء کنند، به تدریج فرهنگ و هویت خد را فراموش می کنند و متأسفانه چه بسا افرادی بوده اند که در اثر بی اطلاعی از اسلام ابتدا در مسائل جزئی از بیگانگان تقلید کرده اند و این کار به مرور زمان بر وسعت خود افزوده تا جایی که به طور کلی اصالت خود را از دست داده اند بر همین اساس است که رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام به شدت شبیه شدن به بیگانگان را منع فرموده اند و یکی از علل آنکه ریش تراشی در اسلام گناه بزرگی محسوب شده است برای آن است که شخصی که مرتکب این عمل شود علاوه بر ضرر جسمی که این عمل دارد خود را شبیه بیگانگان و کفار نموده است.

رسول خدا ﷺ فرموده اند:

« لیس منا من تشبه بغیرنا»

کسی که خود را شبیه به غیر مسلمانان در آورد از ما نیست.

« من تشبه بقوم فهو منهم»

هر کس خود را شبیه گروهی کند ، از آنها محسوب می شود.

«لیس منا عن عمل بسنه غیرها»

مسلمان واقعی نیست کسی که به دستور (آداب و رسوم بیگانه) عمل نماید.

بخش سوم: شانه کردن ریشها و چهارده منفعت آن

مخفی نماند کسی که ریش خود را می تراشد (به هر نحوی که باشد با تیغ یا ماشین) از این منافع بی بهره است و از بسیاری از فوائد و برکات شانه کردن ریش به دور است. و شانه کردن ریش دارای چهارده منفعت است که از روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام بدست آمده است.

14 فائده شانه کردن ریش

1- مو را نیکو می کند 2- حاجت را بر می آورد 3- در (نیروی) صلب او می افزاید 4- بلغم را دفع می کند 5- دندان را محکم می کند 6- حافظه را زیاد می کند 7- شانه کردن ریش پی هر وضو فقر را بر طرف می کند 8- درد را از جسد بیرون می کند 9- کرم را از بینی دور می کند 10 و 11- گوشت و لثه بین دندان و لثه را پاک می کند 12- هر کس ریش خود را 70 بار شانه کند یکبار یکبار شیطان چهل روز نزدیک او نیاید 13- زرداب را خاموش می کند 14- با شانه ی عاج (استخوان فیل) شانه کردن ، مو را در سر می رویاند.
در روایات اسلامی آمده است که یکی از شیوه های درمان وسواس شانه کردن محاسن می باشد.

ریشها را نشسته شانه کنید

1- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس ایستاده محاسنش را شانه کند قرض او را فرا می گیرد.

2- امام صادق علیه السلام فرمودند:

در حمام محاسنت و موهایت را شانه نکن که مو را سست می کند.

3- حضرت علی علیه السلام می فرماید:

شانه کردن ایستاده فقر می آورد.

4- حضرت امام کاظم علیه السلام می فرماید:

شانه کردن ریش در حال ایستاده دل را ضعیف و در حال نشسته دل را قوی می کند.

کمتر از حد عرفی نبودن

ریش باید کمتر از حد عرفی نباشد یعنی اینکه در عرف بگویند: فلانی ریش دارد و این معنا وقتی تحقق پیدا می کند که موی صورت به اندازه ای بلند باشد که بتوان با سر انگشتان آنها را گرفت.

دعای وقت شانه کردن

اللهم صل علی محمد و آل محمد و البسنى جمالا فى خلقک و زینه فى عبادک و حسن شعرتی و بصری و لا تبتلینى بالنفاق و ارزقنى المهابه بین بریتک و الرحمه من عبادک یا ارحم الراحمین.

خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیت محمد، و عطا کن مرا صورتی نیکو در بین خلق خودت و زیبایی در بین بندگانت و نیکو کن موی مرا و چشم مرا و مبتلا مکن مرا به دورویی و عنایت کن که من فروتنی بین آفریدگان خودت و مهربانی را نسبت به بندگانت ای مهربانترین مهربانان.

فصل هفتم: شارب (سبیل)

الف: نوشیدن آب با سبیل بلند از لحاظ بهداشتی

رعایت بهداشت، در تمامی خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها لازم و ضروری است، اگر موی سبیل بلند باشد به ناچار با خوردنی‌های مختلف تماس خواهد داشت. اگر شخصی دودی و سیگاری باشد سیل‌هایش از دود سیگار پوشیده و آلوده خواهد شد که در موقع نوشیدن آب با آب تماس پیدا کرده و میکروبهای مختلف به آب انتقال یافته، دوباره به درون بدن او بر می‌گردد. بدین جهت در دین اسلام از نوشیدن آب با سبیل بلند نهی شده و مورد مذمت قرار گرفته است. سبیل بلند از نظر پزشکی هم پسندیده نیست. پس دقت فرمائید که از قدیم گفته اند:

«الشارب بالشارب كالشارب» (1- مثل مشهور است) هر کس، با سبیل بلند آب بنوشد مانند کسی است که شراب بنوشد (آشامیدن با سبیل مانند آشامیدن مشروب است).

مخفی‌نماند این تشبیه‌ها و سخت‌گیریها بیشتر به خاطر حفظ بهداشت خود و اجتماع می‌باشد که باید پرهیز کرد و گر نه هیچ وقت گناه آب نوشیدن با سبیل بلند با گناه شرابخواری در کفه ترازو مساوی نخواهد بود.

1- رسول خدا ﷺ فرمود:

«لا يظون احدكم شاربه فان الشيطان يتخذة جنة يستتر به»

هرگز کسی سبیلش را بلند نکند، چون شیطان آنجا را برای خود پناهگاه (سپر استتار) قرار می‌دهد.

در روایت دیگر آمده است که حضرت فرمودند:

«لا يطولن احدكم شاربہ و لا عانته و لا شعر ابطه فان الشيطان يتخذها

مخابی يستتر فيها.»

2- امام صادق و حضرت علی عليه السلام می فرمایند: گرفتن سبیل از جمعه تا

جمعه دیگر امان از مرض جذام است.

2- کوتاه کردن سبیل از دین حنیف ابراهیمی عليه السلام است.

4- از سنتهای سر کوتاه کردن سبیل است.

5- امام صادق عليه السلام فرمود:

شارب گرفتن رفع غم و وسواس کند.

6- رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

شارب را از ته بگیرد، به یهودیان و گبران خود را شبیه مگردانید و فرمود:

نیست از ما کسی که شارب خود را نگیرد.

7- امام صادق عليه السلام فرمودند:

هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد، در وقت گرفتن بگوید «بسم الله و

بالله و علی سنه محمد و آل محمد» بعدد هر ریزه ای که از مو و ناخن او بریزد

حقتعالی ثواب یک بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کردن را به او عطا فرماید،

بیمار نشود مگر به بیماری مرگ.

ب: عاقبت بلند نگه داشتن سبیل در کلام رسول الله ﷺ

1- مسلمان واقعی نیست.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«یا علی من لم یاخذ شاربه فلیس منا»

یا علی! کسی که سبیل خود را کوتاه نکند مسلمان واقعی نیست.

2- بی بهره از شفاعت

«و لم تنل شفاعتنا التارک لشاربه»

و شفاعت ما شامل کسی که سبیل خود را کوتاه نمی کند نمی شود.

3- ملعون خداوند و فرشتگان

«لم یزل فی لعنه الله و الملائکه»

و همیشه مورد لعن خداوند فرشتگان است.

4- مانع اجابت دعا

«و لا یتجاب له دعاء»

دعای او به استجابت نمی رسد.

5- باعث سخت جان دادن

«و اذا قبض روحه قبض بشده»

و در هنگام قبض روح با سختی روحش از بدن جدا می شود.

6- سبب عذاب در قبر

«و عذابه فی القبر صعب»

عذاب او در قبر بسیار سخت است.

7- تسلط مارها و عقربها

«و یسلط علیه الحیات و العقارب بکل شعره»

برای هر موی سبیل مارها و عقربها بر او مسلط می شوند.

8- عذاب همیشگی

«وكان معذبا الى القيامة»

انسانی که سبیل خود را کوتاه نکند تا قیامت در قبر عذاب می شود.

9- اهل جهنم

«و اذا خرج من قبره كان مكتوبا بين عينيه هذا من اهل النار»

و هنگامی که از قبرش خارج می شود و در پیشاپیش نوشته شده که این

شخص اهل جهنم است.

فصل هشتم: دیه آسیب رساندن به ریش و اجرت گرفتن

تراشیدن ریش دیه دارد

برای ازاله موی ریش در شرع دیه ی کامل مقرر شده و هر که چنین باشد فعلش بر غیر بلکه بر صاحبش حرام است.

دیه آسیب رساندن به ریش

آنقدر ریش در اسلام ارزش دارد و به آن اهمیت داده شده که اگر کسی ریش دیگری را بکند و یا کاری کند که ریش او به طور کلی از بین برود باید دیه کامل بپردازد و اگر قسمتی از ریش روئید و قسمت دیگر روئید باید یک سوم دیه را بدهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«قضى امیرالمومنین فی اللحیه اذا خلقت فلم تنبت الدیه کامله فاذا نبتت فثلث الدیه»

امیرالمومنین علیه السلام در مورد کسی که ریش دیگری را از بین ببرد به طوری که اصلاً روئید حکم کردند باید دیه کامل بپردازد و اگر قسمتی از آن روئید باید یک سوم دیه را بدهد.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در تحریرالوسیله ج 2 بحث دیه ی موی سر و ریش همین فتوی و حکم را در میان فتاوی انتخاب می نمایند.

یک سؤال مهم:

اجرت بابت تراشیدن ریش

سؤال: اجرت گرفتن بابت تراشیدن ریش چه حکمی دارد؟

جواب: پولی را که پیرایش گر و تراشنده ی ریش به عنوان اجرت می گیرد حرام است.

چرا که رسول خدا ﷺ فرمودند:

اذا حرم الله شيئاً حرم ثمنه.

وقتی خدا چیزی را حرام نموده اجرت آنرا نیز حرام کرده است.

نکته ای به برادران:

باید توجه داشت که احکامی را که مراجع تقلید می گویند از قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام استخراج کرده و بیان می فرمایند در حق کسانی که از آنها تقلید می کنند حکم خداست، لذا افرادی که مرجعشان می فرماید: ریش تراشی حرام است خواه به صورت فتوا و حکم و خواه به صورت احتیاط و جویی، بدانند که اجرت گرفتن بابت آن را نیز به همان صورت حرام می دانند.

فصل نهم: جویدن مو و امراض آن

این فصل ربطی به تراشیدن ریش ندارد البته کسانی هستند که موهای خود را می‌خورند حال یا موهای سبیل یا محاسن و یا در بین زنان گیسوان خود را. بیماری گیسو خوردن (تریکوینروار - فیتوبنروار) مخصوصا بین دختران جوان و بانوان دیده شده که حتی آنقدر دیده شده که موهای خورده شده در معده جمع و ترکیب و شکل معده تغییر یافته است.

و نیز کسانی که عادت دارند شانه را در دهان بگیرند و چند تار مو را بلعند و نزد زنانی که ویاار دارند نیز دیده شده است.

در بین مردان نیز کسانی هستند که موهای شارب خود را لای دندانها گذارده و می‌جویند و ذراتش را می‌خورند با سر ریش خود را برگردانده آنرا جویده جدا شده‌ها را بلع می‌نمایند.

اولین مرتبه بوسیله دانشگاه ریود وژانیرو این حقیقت کشف و اعلام گردید که خوردن مو سبب پیدایش خمودگی‌های روحی می‌گردد و کسانی که عادت به مو خوردن یافته‌اند دچار تزلزل روحی می‌شوند. ولی سابقه اسلامی آن به 14 قرن می‌رسد که جویدن آن را ممنوع دانسته‌اند.

ناگفته نماند بیماری جنون کشیدن و کندن موها نیز هست که در افراد عصبانی مزاج دیده می‌شود و بیماری (TrichoKriptomania) پاره و قطع کردن مو که بهترین روش درمانی از طریق روانشناسی است.

فصل دهم: داستان آیت الله بافقی رحمته الله علیه

روزی آیت الله شهید حاج شیخ محمد تقی بافقی رحمته الله علیه به حمام عمومی تشریف می برد البته هر فرد با ورود به محوطه ی اصلی حمام با شخصیت ظاهریش که با لباس شناخته می شود، نا معلوم خواهد بود.

در آن جا بین ثروتمند و فقیر ، شاه و گدا فرقی نیست و همه یکسان و مانند هم می باشند. وقتی آیت الله بافقی رحمته الله علیه به داخل حمام وارد می شود ناگهان با صحنه ای روبرو می شود که باید به وظیفه خویش یعنی (نهی از منکر) عمل نماید. می بیند فردی در برابر آئینه مشغول تراشیدن ریش خود هست به او نزدیک می شود و برای ادای تکلیف دینی خود و شکستن این سنت غلط که مورد تحریم مراجع بزرگوار است به وی تذکر می دهد که آقا این عملی که شما انجام می دهید، یعنی تراشیدن ریش حرام است و آن را ترک کن.

آن شخص که یکی از سرهنگ های بلند پایه ی ارتش رضا خانی بود وقتی در برابر نصایح خیرخواهانه آن اسوه ی تقوا و پرهیزکاری واقع می شود غضبناک شده و بی درنگ سیلی محکمی به صورت آن عالم وارسته می نوازد.

آیت الله بافقی رحمته الله علیه با مواجه شدن با چنین عکس العملی، طرف دیگر صورت خویش را به سوی آن شخص می گیرد و می فرماید: «به این طرف صورتم نیز سیلی دیگر بزن و از این کار حرام دست بردار»

آن شخص مغرور وقتی با این همه بزرگواری و سعه ی صدر آیت الله بافقی رحمته الله علیه روبرو می شود، از دلاک حمام که آیت الله بافقی را می شناخت سؤال می کند این آقای بزرگوار کیست؟ او جواب می دهد ایشان حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی بافقی می باشند. وقتی سرهنگ ارتش رضاخانی آن عالم جلیل القدر را می شناسد خدمت ایشان شرفیاب می شود و با نهایت پشیمانی

عذر خواهی و طلب عفو و بخشش می کند و به ایشان قول می دهد که از آن
زمان به بعد دست از عمل ریش تراشی بردارد و تا پایان عمر مرحوم آیت الله
باقی رحمته از نزدیکان و مریدان ایشان محسوب می گردد.

فصل یازدهم: فتاوی مراجع بزرگوار تقلید

یکی از دلائلی که از برای حرمت ریش تراشی وجود دارد فتاوی علماء و مراجع تقلید است که قائل به حرمت ریش تراشی هستند. البته بعضی از مراجع صریحاً فتوی به حرمت داده اند مانند:

1- شیخ بهائی رحمته الله :

تراشیدن ریش مانند سایر گناهان کبیره است.

2- کاشف الغطاء رحمته الله :

حرمت تراشیدن ریش از مسلمات است.

3- علامه محمد باقر مجلسی رحمته الله :

تراشیدن ریش قطعی است.

4- شیخ مرتضی انصاری رحمته الله :

تراشیدن ریش حرام است.

5- مرحوم صدر اصفهانی رحمته الله :

ریش تراشی را به طور مفصل تحریم کردم و کسی که قائل به عدم حرمت است از دو حال بیرون نیست، یا از راسخان در علم نیست یا قصدش اظهار فضل است. والله العالم.

6- آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله :

تراشیدن ریش حرام است و الله العالم. (توضیح المسائل)

7- آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله :

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است و حکم

خدا بواسطه مسخره کردن مردم تغییر نمی کند. (توضیح المسائل م 2834)

8- آیت الله العظمی گلپایگانی رحمته الله :

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است و حکم خدا بواسطه مسخره کردن مردم تغییر نمی کند. (توضیح المسائل).

و بعضی از مراجع بنا بر احتیاط واجب قائل به حرمت شده اند مانند:

1- امام خمینی رحمته الله :

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد احتیاط واجب حرام است. (توضیح المسائل)

2- آیت الله العظمی خوئی رحمته الله :

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد بنا بر احتیاط واجب حرام است. (توضیح المسائل)

سه سوال استفتاء شده پیرامون ریش و ریش تراشی

سه سؤال از مراجع تقلید استفتاء شده که در کتاب 14 نکته راجع به ریش و ریش تراشی آمده است که ما آنها را در اینجا از همان کتاب به طور کامل نقل می کنیم.

سؤال 1: تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد چه حکمی دارد؟

1- حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله :

حرام است علی الاحوط.

2- حضرت آیت الله العظمی تبریزی رحمته الله :

بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

3- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته):

جایز نیست علی الاحوط.

4- حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

به احتیاط واجب جایز نیست.

5- حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

حرام است والله العالم.

6- حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله :

بنابر احتیاط واجب حرام است.

7- حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

8- حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

حرام است.

9- حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

احتیاط در ترک آن است.

سؤال 2: آیا برای رشد بهتر ریش و یا بواسطه احساس خارش می توان آن

را تراشید یا با ماشین ته زن اصلاح نمود؟

1- حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله :

حرام است علی الاحوط و در موارد ضرورت حکم سایر محرمات را دارد.

2- حضرت آیت الله العظمی تبریزی رحمته الله :

روئیدن چند مو در صورت و چانه عرفا ریش حساب نمی شود و احساس

خارش مجوز تراشیدن آن نیست.

3- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته):

برای رشد بهتر ریش جایز نیست آن را تراشید علی الاحوط و احساس

خارش اگر ضرورت لازم المراعاتی ندارد جایز نیست.

4- حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

رشد مجوز تراشیدن نیست و احساس خارش هم جایز نیست مگر موجب حرج باشد.

5- حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

خیر حرام است، و احساس خارش هم مجوز تراشیدن نمی شود. والله العالم

6- حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله :

خیر، و این امور موجب ارتکاب حرام نمی شود.

7- حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

اگر موقع رشد صدق ریش کند تراشیدن آن اشکال دارد و احساس خارش هم مجوز تراشیدن نیست.

8- حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

خیر، جایز نیست.

9- حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

اگر نمو کافی نکرد، بطوریکه صدق ریش کند اشکال ندارد و از موقع احساس خارش هم اگر مدتی بگذرد عادت می کند.

سؤال 3: حد وجوب ریش گذاشتن چقدر است؟

1- حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله :

و لو با نمره باید صدق داشتن ریش کند عرفا.

2- حضرت آیت الله العظمی تبریزی رحمته الله :

چانه و اطراف آن است طوری که عرفا بگویند ریش دارد.

3- حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (دامت برکاته):

صدق داشتن ریش عرفا کفایت می کند.

4- حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

به مقداری که گفته شود ریش دارد.

5- حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

حد آن به مقداری است که عرفا بگویند ریش دارد.

6- حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته الله:

حدی است که در عرف اطلاق ریش بر آن صادق آید.

7- حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

صدق عرفی کفایت می کند.

8- حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

به مقداری که عرفا بگویند فلانی ریش دارد.

9- حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

مسئله شامل چانه می شود ولی اصلاح گونه ها اشکالی ندارد و باید عرفا

صدق ریش کند.

نتیجه:

حرام بودن تراشیدن ریش و حلال بودن گذاشتن آن و فوائد آن و مضرات

تیغ کشیدن با استفاده از آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

و فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و روان شناسی و پزشکی آن بیان و اثبات شد.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم
بحار الانوار / علامه محمد باقر مجلسی (ره) / انتشارات دارالکتب الاسلامیه /
110 جلدی
وسائل الشیعه / شیخ محمد بن الحسن حر العاملی / داراحیاء التراث العربی
بیروت / چاپ پنجم / 1403 ه. ق. / 1983 م.
مستدرک الوسائل / محدث نوری / موسسه آل البیت. چاپ بیروت /
1410 ه. ق.
تفسیر کوثر / یعقوب جعفری / انتشارات هجرت / چاپ اول / بهار 1376 ه. ش.
میزان الحکمه / محمد محمدی ری شهری / انتشارات دارالحدیث / چاپ
سوم / 1381 ه. ش.
مکارم الاخلاق / شیخ طبرسی / انی نصر الحسن بن فضل / موسسه نشر اسلام
ی / چاپ دوم / 1416 ه. ق.
حلیه المتقین / علامه محمد باقر مجلسی (ره) / انتشارات نسیم حیات / چاپ
اول / 1380 ه. ش.
منتهی الآمال / شیخ عباس قمی / انتشارات هجرت / چاپ یازدهم.
مجمع البیان / ابوعلی فضل بن حسن طبرسی / سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / چاپ اول / 1380 ه. ش.
تفسیر قمی / علی بن ابراهیم قمی / انتشارات بنی الزهرا / چاپ اول / 88 مترجم
جابر رضوانی.
تفسیر عیاشی / ابی نصر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی معروف به
عیاشی / انتشارات مکتبه العلمیه الاسلامیه.

- کمال الدین / شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی / انتشارات مسجد مقدس
جمکران / چاپ دوم / بهار 1382 ه.ش.
- امالی / شیخ صدوق / انتشارات وحدت بخش / چاپ اول / بهار 1384.
خصال / شیخ صدوق / انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- اصول کافی / ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی الرازی / چاپ
چهارم / 140 ه.ق / انتشارات دارصعب و دارالتعارف بیروت.
- توحید مفضل / علامه مجلسی / انتشارات هجرت / مترجم: نجفعلی میرزایی /
چاپ ششم.
- بهترین ارمغان / سید محمد تقی مقدم / انتشارات مقدم / چاپ بیست و سوم /
1377.
- مبلغان / مجله معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم.
14 نکته راجع به ریش و ریش تراشی / رضا مسجدی اصفهانی / انتشارات
الحج / چاپ اول / 1379.
- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله / شهید پاک نژاد / انتشارات
یاسر، انتشارات بنیاد فرهنگی / چاپ اول / 1364.
- ریش تراشی / اسدالله محمدی نیا.
- مبارزه با گناه / سید محمد رضا هاشم زاده / موسسه انتشاراتی امام عصر
علیه السلام / چاپ اول / 1383.
- کامل فی التاریخ / ابن اثیر / داربیروت 1385 ه.ق.
- فرازهایی از تاریخ اسلام / آیت الله العظمی سبحانی / نشر مشعر / چاپ
یازدهم زمستان 1387.

علل الشرايع / شيخ صدوق / مترجم: محمد جواد ذهني / تهراني / انتشارات
مومنين .

صحيح مسلم / ابي الحسين مسلم نيشابوري / دارالفكر للطباعة و النشر و
التوضيح / مصر / 1401 ه.ق .

سفينة البحار / شيخ عباس قمي / كانون انتشارات عابدي / ابي تا .
رسائل الشريف المرتضى / سيد مرتضى .
بابي گري و بهايي گري / محمد محمدي اشتهاودي .
بهشت جوانان / اسدالله محمدي نيا / انتشارات سبط اكبر عليه السلام / چاپ
شانزدهم / 382 .

نهج الفصاحه / ابوالقاسم پاينده .
سنن ابي داوود / ابي داوود .

كنز العمال / علاءالدين متقي هندي / موسسه الرساله / بيروت 1399 ه.ق .
وسوسه و وسواس در اسلام / محمود اردكاني بهبهاني / انتشارات مجمع
ذخائر اسلامي / چاپ دوم / 1379 ه.ش .

الحكم الزاهره / علي رضا هابري يزدي / مترجم: انصاري / مركز چاپ و نشر
سازمان تبليغات اسلامي .

فهرست مطالب

3	مقدمه
4	چکیده
5	فصل اول: تاریخچه ی ریش گذاشتن
6	الف: ریش در شریعت حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
6	ب: سلاطین و علماء
7	ج: کسانی که دستور تراشیدن ریش داده اند
8	د: احترام ریش نزد درویشان
9	و: داشتن ریش سیره انبیاء <small>علیهم السلام</small> و دانشمندان اروپائی
10	فصل دوم: ریش تراشی از نظر دانشمندان و پزشکان
10	1- سخنان دکتر «ویکتور ژورژ»:
11	2- سخنان دکتر (یعقوب صروف) و (فارس نمر):
12	3- در مجله «المقتبس» دمشق آمده است که:
12	4- ریش تراشی جماعتی در انگلستان:
13	5- به ریشهای تمامی کارکنان راه های آهن تیغ کشیدند
13	6- شیوع ریش تراشی در کشورهای غربی:
14	7- بعضی از پزشکان فرانسوی می گویند:
14	8- «هانسدریش» آلمانی می گوید:
15	9- «دکتر خوش منش»:
15	10- «دکتر صائبی»:
16	11- جریان کارخانه ی تیغ سازی:
17	نتیجه گیری از این فصل:

18	فصل سوم: ریش تراشی از نظر روان شناسی
20	نکات مهم:
21	فصل چهارم: تراشیدن ریش از منظر قرآن
	فصل پنجم: سیره ی عملیه ی انبیاء و اولیاء دلیل بر ریش گذاشتن و دلیل عقلی
25	بر لزوم ریش گذاشتن
25	سیره ی عملیه ی انبیاء و اولیاء دلیل بر ریش گذاشتن
26	دلیل عقلی بر لزوم ریش گذاشتن
28	فصل ششم: احادیث درباره ی ریش و ریش تراشی
28	بخش اول: احادیث درباره ی ریش گذاشتن
32	بخش دوم: احادیث در باب تراشیدن ریش
41	بخش سوم: شانه کردن ریشها و چهارده منفعت آن
43	فصل هفتم: شارب (سبیل)
43	الف: نوشیدن آب با سبیل بلند از لحاظ بهداشتی
45	ب: عاقبت بلند نگه داشتن سبیل در کلام رسول الله ﷺ
47	فصل هشتم: دیه آسیب رساندن به ریش و اجرت گرفتن
49	فصل نهم: جویدن مو و امراض آن
50	فصل دهم: داستان آیت الله بافقی <small>رحمته الله علیه</small>
52	فصل یازدهم: فتاوی مراجع بزرگوار تقلید
57	فهرست منابع و مآخذ
60	فهرست مطالب